

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای زواردشت الموت قزوین

نصراالله عسگری*

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۸

چکیده

دامداران روستای زواردشت همه ساله همانند دیگر روستاهای الموت پس از عید نوروز چوپانان را انتخاب می‌کنند. چوپانان دام‌ها را پس از تحویل، به سمت چراگاهی که معمولاً از روستاهای همجوار برای مدت یک ماه اجاره کرده‌اند به حرکت در می‌آورند، آنگاه بر اساس یک برنامه زمان بندی شده به سمت ارتفاعات روستا کوچ خود را آغاز می‌کنند و در مکان‌های از پیش تعیین شده مستقر می‌شوند. طی مدت اقامتشان در اطرافگاه‌ها با استفاده از دانش و شناختی که در زمینه گیاهان منطقه مورد نظر دارند، جهت بهره‌برداری بهینه، مراتع را تقسیم بندی می‌کنند. این دانش به آنها اجازه می‌دهد تا زمان

کوچ بعدی، علوفه به‌اندازه کافی در اختیار دام‌ها قرارگیرد و شیرشان کاهش پیدا نکند و منافعشان تهدید نشود. این مقاله با استفاده از دانش روستاییان به شناخت و شناساندن بخش کوچکی از گیاهان منطقه پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: مرتع، دامداری، دانش بومی، روستای زوارداشت

مقدمه

آگاهی دامداران و افراد ذینفع منطقه مورد نظر، درباره گیاهانی که در اطراف روستا و مراتع بیلاقی به صورت خودرو می‌رویند، تا آنجا که اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه با آگاهان محلی اجازه اظهار نظر به ما می‌دهند، در هیچ جایی مکتوب نشده است. بنابراین دانشی که امروز روستاییان دامدار در مورد گیاهان اطراف روستا و مراتع مورد استفاده دام‌ها وارث آن هستند سینه به سینه از نسل‌های گذشته از طریق تجربه و آزمون و خطا بدست آمده است.^۱

حیات دامداران منطقه بدون برخورداری از این دانش در وهله نخست سرمایه آنها یعنی دام‌ها را با خطر نابودی مواجه خواهد کرد که در این صورت دامداران و خانواده آنها و نیروهایی که در خدمت آنها هستند از طریق مهاجرت راهی شهرها خواهند شد. مسأله مهاجرت و مشکلات ناشی از آن آنچنان روشن و آشکار است که نیازی به توضیح ندارد. در وهله دوم جمعیت ساکن و همچنین مهمانانی که در فصول گوناگون سال به دلیل برگزاری اعیاد ملی- مذهبی و مراسم گوناگون از قبیل عروسی، عزاداری، جشن‌های گوناگون و دیدار خویشاوندان و دوستان خود وارد منطقه می‌شوند، از کمبود

۱- برای آگاهی بیشتر در زمینه دانش بومی ر.ک: مرتضی فرهادی، «نوبر نارس گیاه مردم شناسی»، ص ۱. محمد حسین عمادی و اسفندیار عباسی، «حکمت دیرین در عصر نوین»، ص ۹۹؛ مرتضی فرهادی، «مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری سنتی» «نان شب» مردم‌نگاران ایران، صص ۶، ۲۰، ۲۱؛ اسفندیار عباسی، «توسعه مردم‌شناسی و مردم‌شناسی توسعه پژوهش و کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار»، صص ۳۵-۳۴؛ محمدحسین عمادی، «دانش بومی جزئی از ثروت فرهنگی و میراث اندیشه‌ای جامعه ماست»، ص ۱۲۴.

فرآورده‌های لبنی و گوشتی که امروزه خانواده‌ها به اهمیت آنها پی برده‌اند و در جیره غذایی شان راه یافته است، رنج خواهند برد. شایان ذکر است که علاوه بر فرآورده‌های لبنی و گوشتی، تولیدات دامی از قبیل پشم، پوست، و روده هم در صنعت کاربرد دارند. در مجموع، هم بخش صنایع غذایی و هم صنایع تولیدی قسمتی از نیازهای انسان در زندگی روزمره را مرتفع می‌کنند.^۱ ولی این امر را نباید از نظر دور داشت که دام بدون مرتع نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد زیرا غذای آنها را مراتع تأمین می‌کنند.^۲ گرچه علوفه‌ای که در مراتع رشد می‌کنند برای دام‌ها حیاتی است ولی این انسان است که با توجه به آگاهی و اطلاعاتی که طی قرون متمادی در زمینه گیاهان گوناگون به دست آورده است تشخیص می‌دهد که چه گیاهی، در چه فصلی و به چه مقدار و در کدام شرایط آب و هوایی برای تغذیه دام مفید است. پس ضرورت دارد که این دانش و اطلاعات در زمینه گیاهان خودرو جمع‌آوری و مکتوب شوند.

روش جمع‌آوری اطلاعات

روش جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه همراه با مشاهده گیاهان و عکسبرداری از آنها بوده است. به این ترتیب که با اطلاع قبلی با یکی از مطلعان منطقه در زمینه دامداری به سمت اقامتگاه چوپانان در "خشچال" واقع در ارتفاع تقریبی ۳۰۰۰ متری حرکت کردیم. در طول مسیر بر اساس اطلاعات مصاحبه شونده، از نزدیک با گیاهان مورد علاقه دام‌ها و گیاهانی که برای تغذیه زمستانی آنها چیده و در انبارها ذخیره می‌شوند آشنا شدیم. در ضمن در طی اقامت‌مان در یورد^۳ چوپانان، اطلاعات جمع‌آوری شده را مجدداً با آنها مرور نمودیم تا صحت و سقم داده‌ها بر ما آشکار شود. همچنین نام تعدادی از گیاهانی را که مصاحبه شونده فراموش کرده بود به کمک چوپانان به یاد آورد و ما موفق به ثبت

۱- برای آگاهی بیشتر رک: سیدرحیم مشیری، «جغرافیای کوچ نشینی»، ص ۹۱.

۲- برای آگاهی بیشتر رک: بهرام امیراحمدی، «محیط زیست و کوچ نشینی»، ص ۱۱۷.

۳- برای آگاهی بیشتر رک: جواد صنعی نژاد، «عشایر مرکزی ایران»، ص ۷۸.

آنها شدیم. غیر از مصاحبه شونده، جهت کسب اطلاعات بیشتر با چند نفر از مطلعان روستاهای دیگر هم مصاحبه نمودیم که اسامی آنها در قسمت منابع شفاهی آورده شده است.

آشنایی با منطقه

روستای زواردشت از توابع دهستان الموت شهرستان قزوین بوده و در شمال غرب این استان قرار دارد. این روستا از شمال به ییلاق زواردشت، از جنوب به زر آباد، از شرق به اوان، و از غرب به نیمه رزان زرآباد محدود می‌شود. زواردشت دارای ۱۲۰ خانوار و جمعیتی تقریباً معادل ۵۰۰ نفر است. آب آشامیدنی روستا از ییلاق سیاه سنگ (دراز چره)^۱ و چشمه شاه مردان به وسیله لوله‌های ۲/۵ و ۵ اینچ به آبادی هدایت شده است. آب کشاورزی روستا از رودخانه اوان تأمین می‌شود. درآمد روستاییان از طریق فروش محصولات باغی، زراعی و فرآورده‌های دامی و همچنین کارگری برای دیگران بدست می‌آید.

کوچ بار

پس از برگزاری مراسم سیزده بدر، بعد از ظهر همان روز تقریباً تمام مردان با قرار قبلی در پشت بام خانه یکی از روستاییان در محلی به نام جو کنار (کنار جوی) اجتماع می‌کنند تا پیش کاران (حمام بان، دشت بان، چوپان و...) را انتخاب کنند. در این تجمع از افراد داوطلب می‌خواهند تا آمادگی خود را برای قبول مسئولیت اعلام کنند. از جمله افرادی که در این مجمع عمومی با رأی اکثریت انتخاب می‌شوند چوپانان هستند که پس از انتخاب شدن با صاحبان دام‌ها در زمینه مزدی که در ازای نگهداری هر دام باید دریافت کنند و مقدار پنیر یا کره‌ای که باید در مقابل، تحویل دهند به صورت شفاهی به

توافق می‌رسند. چوپانان برای این که دام‌ها را از جمانی یا جرنند^۱ درآورند از چند روز تا چند هفته آنها را در مسافتی کوتاه از اقامتگاهشان به چرا می‌برند و باز می‌گردانند. سپس مرتعی را با عنوان قشلاق به مدت یک ماه در روستاهای اطراف زواردشت اجاره می‌کنند که اجاره بهای آن را صاحبان دام‌ها می‌پردازند و چوپانان هم در ازای هر دام یک چارک پنیر به صاحبانشان می‌دهند. پس از سپری شدن زمان اجاره، چوپانان، کوچ^۲ خود را در ابتدای خرداد ماه به سمت یورد اول که از آن با عنوان الله نشین یا سلطان نشین نام می‌برند آغاز می‌کنند. در یورد اول چوپانان بین ده تا پانزده روز اقامت می‌کنند. این امر موجب خواهد شد تا مراتع بالادست با تأخیر مورد بهره‌برداری قرارگیرند و طی این مدت فرصت کافی برای رشد گیاهان جهت تعلیف دام‌ها فراهم شود.^۳

به هنگام کوچ بار، چوپانان، گشتابندهای خود (صاحبان دام‌ها) را خبر می‌کنند^۴ تا آنها را در حمل بار و اثاثیه به محل اقامتشان همراهی کنند. پیش از رسیدن گشتابندها، همسران چوپانان مقداری حلوا و نان کولاس^۵ آماده می‌کنند. پس از ورود مهمانان با یک صلوات دور سفره‌ای که از قبل تدارک دیده شده است می‌نشینند و شادی کنان به صرف صبحانه می‌پردازند. آنگاه یکی از گشتابندها برای سرگرمی و نشاط خاطر حضار با یکی

۱- از جمانی (jamani) یا جرنند (jarand) درآوردن به این معنی است که طی سه تا چهار ماهی که دام‌ها بر اثر برودت هوا و پوشیده شدن سطح زمین از یخ و برف بالاجبار در طویله نگهداری می‌شوند، عادت راه رفتن به مدت طولانی را از دست می‌دهند، بنابراین با مساعد شدن هوا چوپانان سعی می‌کنند این عادت را طی چند روز اول با تعلیف آنها در مسافتی کوتاه به وجود آورند در غیر این صورت آسیب دیدگی و فلج شدن دام‌ها در قسمت دست‌ها و پاها حتمی است.

۲- در گذشته زمان کوچ به بیلاقات را کدخدای محل تعیین می‌کرد ولی امروزه تصمیم گیرندگان چوپانان هستند.

۳- برای آگاهی بیشتر ر.ک: علیرضا شاه حسینی «دانش‌های بومی عشایر سمنان در زمینه بهره‌برداری، احیاء و حفاظت مراتع» ص ۱۲۲.

۴- در کوچ بار صاحبان دام‌ها پس از اطلاع از تاریخ کوچ فعالانه شرکت می‌کنند چنانچه صاحب دامی به عللی نتواند در این آیین حضور یابد و عذرش موجه باشد در کوچ بعدی باید جبران نماید در غیر این صورت مورد لعن و نفرین چوپانان قرار خواهد گرفت.

۵- کولاس (kolas) نانی است که آن را از آرد، روغن، شیر، گردو و زرد چوبه تهیه می‌کنند.

از جوانان داوطلب به چوب بازی می‌پردازد. پس از این هنر نمایشی وسایل را به صورت بار در می‌آورند و آنها را بر روی چارپایان قرار می‌دهند و با ریسمان می‌بندند و آماده حرکت می‌شوند. معمولاً کوچ را در سه گروه جداگانه آغاز می‌کنند. در یک گروه بزها و میش‌ها را به حرکت در می‌آورند و شبانه راه می‌پیمایند تا فردا صبح (صبح دان) شیر دام‌ها را در یورد بدوشند، زیرا چوپانان بر این باورند چنانچه دام‌ها به موقع دوشیده نشوند شیرشان خشک خواهد شد (دان خوردن). در گروه دوم فرزندان چوپانان و عده‌ای از صاحبان دام‌ها هستند که این مسافت را به همراه بره‌ها و بزغاله‌ها طی می‌کنند و سرانجام در گروه آخر زنها و بچه‌های چوپانان هستند که با استفاده از تعدادی الاغ به همراه اثاثیه مورد نیاز خود و با همیاری تعدادی از گشتابندها آماده سفر می‌شوند. وقتی به اطراق گاه رسیدند چادر را برپا و مالگاه را مرمت می‌کنند و دو نفر از صاحبان دام‌ها که با چوپانان نسبت نزدیکی دارند شب را در کنار آنها و خانواده شان سپری می‌کنند تا امنیت خاطر آنها را در صورت بروز احتمالی مشکلی فراهم نمایند. پس از اقامت در یورد اول طبق رسوم و یک سنت دیرینه، شیر دام‌ها را پس از دوشیدن تا چند روز بین تمام مردم روستا تقسیم می‌کنند. در این تقسیم بندی روز اول را به افراد سرشناس مانند معلمین، رئیس شورا، اعضای شورا و ... اختصاص می‌دهند. روز دوم را بین گشتابندها و سرانجام روزهای بعد را برای افراد دیگر در نظر می‌گیرند. دریافت کنندگان شیر، داخل ظرفی که زن گالش برایشان شیر می‌فرستد تحفه‌ای از قبیل سیگار، پارچه، روسری، دمپایی، پول و... به عنوان «جا بولی یا جا خالی» می‌گذارند، چنانچه جا خالی چشمگیر باشد امکان تکرار این عمل وجود خواهد داشت. دومین اقامتگاه چوپانان را گرجیگان یا پشت کوه می‌نامند. اقامت چوپانان در این محل تا اول تابستان ادامه می‌یابد. سومین یورد را کواک می‌نامند و چوپانان تا ۲۰ مرداد ماه دام‌ها را در این منطقه که در ارتفاع ۳۰۰۰ متری قرار دارد، به تعلیف وامی‌دارند، آنگاه به هنگام بازگشت مدت اقامت خود را در یوردهای یاد شده براساس علوفه موجود و سرمای هوا تنظیم می‌کنند و در اول آبان ماه دام‌ها را به صاحبانشان بر می‌گردانند. لازم به ذکر است

چوپانان پس از کوچ به سمت ارتفاعات و اقامت در هر یک از یوردها مراتع موجود در آن محدوده را به قرار زیر تقسیم بندی می کنند:

۱- مراتع آفتابگیر یعنی مراتعی که مستقیماً زیر تابش نور خورشید قراردارند و گیاهان شان به دلیل گرمای شدید و کمبود رطوبت زودتر خشک می شوند. بنابراین از این مراتع زودتر استفاده می شود.

۲- مراتع نسام پر(سایه) یعنی مراتعی که به دلیل وجود رطوبت و در سایه قرار گرفتن، گیاهان موجود در آنها تازه و سرسبز باقی می مانند. این مراتع بسیار مورد علاقه دامها هستند. چوپانان برای حفظ کمیت و کیفیت شیر دامها، آنها را روزی یک بار با علوفه موجود در این مراتع تعلیف می کنند. پوشش گیاهی مراتع یاد شده و گیاهان اطراف روستا را دامداران با نام محلی ای که از پیشینیان در حافظه خود ثبت کرده اند، می شناسند و هدف ما هم شناساندن این گیاهان خودرو با همان نامهاست که در زیر به توصیف آنها می پردازیم:

لرزنه (Larzane)

گیاهی است علفی، با ساقه ای مستقیم، برگ های متقابل و باریک که در انتهای ساقه و شاخه هایش گل های بنفش خوشبو می رویند. تغذیه نارس این گیاه به دلیل تولید گاز فراوان در معده و ایجاد اختلال در جریان گردش خون موجب مرگ دام می شود. لرزنه را پس از چیدن، انبار کردن و خشک کردن در فصل زمستان به تغذیه دام می رسانند. (عکس شماره ۱).

شل تیف Seltif

گیاهی علفی، با ساقه ای پهن و آبدار، برافراشته و پوشیده از برگ های تیغ دار است. در انتهای ساقه غنچه ای گرد و تیغ دار با گل های سفید رنگ می روید. این گیاه بسیار

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۱۵

مورد توجه دام و تحریک کننده غدد شیری در زمان شیردهی است. مصرف آن ترشح شیر را افزایش می‌دهد. شل تیغ گونه‌های زیادی دارد که در زیر به توضیح برخی از آنها می‌پردازیم. (عکس شماره ۲)

کوتال تیغ (Kutaltif)

گیاهی علفی با ساقه‌های منشعب، همراه با برگ‌های تیغ دار بدون دمبرگ با بریدگی‌های عمیق است. گل آذین گرد و صورتی متمایل به بنفش رنگ آن در انتهای ساقه و شاخه‌ها ظاهر می‌شود. تازه و خشک شده این گیاه مورد علاقه دام است. در مراتعی که این گیاه رشد می‌کند چوپانان قبل از شیردوشی جلوی دام‌ها را سد می‌کنند و آنها را در آن محدوده نگه می‌دارند تا از این گیاه تغذیه کنند و شیرشان افزایش یابد. در ضمن از سوزاندن ریشه این گیاه برای تهیه چای استفاده می‌کنند. در اصطلاح محلی می‌گویند و چک بشویه خرده کوتال ریشه را جمع کن که چای بپزیم (بچه برو یک مقدار ریشه کوتال تیغ را جمع کن تا چای درست کنیم) (عکس شماره ۳).

میش تیغ (Mistif)

گیاهی است که برگ‌های سبز رنگ و گسترده‌اش در سطح خاک در بهار ظاهر می‌شود و پس از آن ساقه‌هایی با برگ‌های متناوب، بدون دمبرگ و تیغ دار می‌رویند. در نوک ساقه‌ها گل‌های گرد تیغ دار به رنگ سبز ظاهر می‌شوند. چون تیغ‌ها به هنگام تغذیه آزاردهنده هستند، دام از تغذیه آن خودداری می‌کند. ولی خشک شده آن را در فصل زمستان پس از آب زدن و خرد کردن به خورد دام می‌دهند (عکس شماره ۴).

زرد تیغ (Zardtif)

گیاهی است علفی با بوته‌ای از ساقه‌های کوتاه که دام از برگ‌های تازه روئیده آن در فصل بهار استفاده می‌کند. با رشد تدریجی و ظاهر شدن تیغ روی برگ‌ها و ساقه‌ها دام

دیگر از آن استفاده نمی‌کند. گل‌های زرد رنگ انتهای شاخه‌ها از بغل برگ‌های نازکی که در همان محل روئیده‌اند ظاهر می‌شود. خشک شده این گیاه را در فصل زمستان به تغذیه دام می‌رسانند. زرد تیغ ارزش دارویی هم دارد و در گذشته از آن به صورت پماد برای جراحات‌های سطحی استفاده می‌شد. به این ترتیب که خاکستر به جا مانده از سوخته این گیاه را با مقداری ماست تهیه شده از شیر گاو مخلوط می‌کردند و آن را روی زخمها می‌مالیدند تا درمان شود (عکس شماره ۵).

آشیل تیغ (Asiltif)

گیاهی علفی پوشیده از برگ‌های تیغ دار نیزه‌ای است. در انتهای ساقه‌های آن گل‌های گرد زرد رنگ تیغ دار می‌رویند. تا زمانی که گیاه نرک نرک^۱ و تازه است دام از آن تغذیه می‌کند، ولی با ظاهر شدن تیغ بر روی برگ‌ها دام دیگر از آن استفاده نمی‌کند. صاحبان دام‌ها آشیل تیغ رامی‌چینند، انبار می‌کنند و در فصل زمستان با مرطوب کردن و خرد کردن آن را به تغذیه دام‌ها می‌رسانند (عکس شماره ۶).

سگ تیغ (Sagtif)

از دیگر انواع گیاهان تیغ دار سگ تیغ است. این گیاه نیمه بالا رونده، دارای شاخه‌های سفید رنگ پوشیده از تیغ و برگ‌های سبز باریک بدون دم‌برگ است. دام هیچ وقت تازه آن را مصرف نمی‌کند. این گیاه را پس از چیدن، انبار کردن و خشک کردن آب می‌زنند و خرد شده آن را در فصل زمستان به خورد دام می‌دهند (عکس شماره ۷).

دیو کرچک یا تاتوله (Div karchac یا Tatole)

۱- نرک زدن یعنی ساقه ای از میان برگ‌ها رشد کردن و تخم دادن.

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۱۷

گیاهی علفی با ساقه‌های افراشته است. برگ‌های متناوب و دنداندار آن در راس شاخه‌ها ظاهر میشوند. گل‌های شیپوری و سفید رنگ این گیاه به طور مجزا از کنار برگ‌ها می‌رویند. ترک^۱ این گیاه موجب دل درد دام می‌شود ولی خشک شده آن هیچ آسیبی به دام نمی‌رساند. (عکس شماره ۸).

گل گاوزبان وحشی

گیاهی است بوته‌ای، برگ‌های پایین ساقه روی زمین گسترده‌اند و برگ‌های روی ساقه خوشه‌ای مانند هستند. گل‌های سفید رنگ آن در انتهای شاخه‌ها می‌رویند. در فصل بهار برگ‌های تازه آن مورد استفاده دام قرار می‌گیرند. با ظاهر شدن تیغ بر روی برگ‌ها و ساقه‌ها دام دیگر نمی‌تواند از آن تغذیه کند. دامداران این گیاه را پس از چیدن و خشک کردن در فصل زمستان به تغذیه دام می‌رسانند. گل گاوزبان علاوه بر مصرف دامی مصرف انسانی هم دارد. از آن قلیه و برانی و نوعی کلوچه به نام کلانک^۲ درست می‌کنند. طرز تهیه کلانک بدین قرار است :

برگ‌های تازه گیاه را به همراه مقداری تره یا سیرک سرخ می‌کنند تا کمی طلایی شود. سبزی سرخ شده را داخل چانه نان می‌ریزند آنگاه آن را با وردنه پهن می‌کنند و به بدنه تنور می‌چسبانند تا پخته شود. کلانک بسیار خوشمزه است. (عکس شماره ۹).

کلم بوک (Kalambuk)

گیاهی بوته‌ای با ریشه‌ای عمودی است. دارای برگ‌های خطی بوده و شاخه‌های آن در سطح خاک، پوشیده از گل‌های زرد رنگ خوشه‌ای بسیار معطر است. از این گیاه علاوه بر دام، انسان هم استفاده می‌کند و دارای ارزش غذایی است. از کلم بوک به عنوان سبزی برای طبخ غذا و خوشبو کردن ترشیجات استفاده می‌شود. (عکس شماره ۱۰).

۱- Tarac : ترک یعنی نارس.

شوید واشک (Sevidvasak)

گیاهی است علفی با ریشه‌ای عمودی و شاخه‌های باریک و گسترده در سطح زمین، برگ‌های آن متناوب و خطی هستند. تازه این گیاه بسیار مورد علاقه دام است. خشک شده این گیاه را پس از چیدن و انبارکردن در فصل زمستان به تغذیه دام می‌رسانند (عکس شماره ۱۱).

کرشت (kerest)

گیاهی با ریشه‌ای عمودی و برگ‌های کوچک متناوب با گل‌های بنفش رنگ است. ساقه آن پر شاخه و پوشیده از تیغ می‌باشد. دام تازه و خشک شده آن را مصرف می‌کند. در برخی از روستاهای الموت از آن برای تولید هندوانه استفاده می‌کردند. برای این کار ابتدا قسمتی از خاک ساقه گیاه را کنار می‌زدند تا ریشه‌اش نمایان شود، آنگاه با نوک چاقو شکافی در آن ایجاد می‌کردند و تخم هندوانه را داخل ریشه قرار می‌دادند. چنانچه ریشه قطور بود دو تخم هندوانه یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ ریشه قرار می‌دادند و مجدداً ریشه را با خاک می‌پوشاندند. تخم هندوانه با تغذیه از میزبان خود به رشدش ادامه می‌داد و پس از مدتی میوه‌ای بسیار شیرین به بار می‌آورد. کرشت ارزش دارویی هم دارد. گل‌های آن را همانند چای دم می‌کنند و از آن برای درمان ناراحتی‌هایی چون سرماخوردگی، عفونت‌ها و زخم‌ها استفاده می‌کنند (عکس شماره ۱۲).

جله (Jele)

گیاهی است علفی گسترده در سطح خاک، با ساقه‌های منشعب که انتهای آنها به خوشه‌هایی جو مانند ختم می‌شود. جلّه بسیار خوش خوراک است. (عکس شماره ۱۳).

کمرگل واش (Kamar golvas)

گیاهی خزننده با شاخه‌های فراوان، پوشیده از برگ‌های متقابل با دمبرگ‌های بلند و گل‌های سفید بسیار معطر در انتهای ساقه‌ها است. در صورت بارندگی و رطوبت کافی از رشد بسیار خوبی برخوردار می‌شود و سطح وسیعی از زمین را سبز پوش می‌کند. دام، تازه و خشک شده آن را مصرف می‌کند. کمر گل واش علاوه بر مصرف دامی برای انسان ارزش غذایی و دارویی دارد. برای استفاده غذایی غنچه‌های آن را که هنوز در پوششی از برگ‌های سبز قرار دارند می‌چینند، آنها را داخل ظرف آبی به اضافه کمی نمک خیسانده و به مدت ۱۵ تا ۲۰ روز روی پشت بام زیر نور خورشید قرار می‌دهند تا تلخی آن گرفته شود. بعد از این مدت آن را داخل سبد چوبی قرار می‌دهند تا آبش کشیده شود. مجدداً غنچه‌ها را آبکش می‌کنند و در زیر نور آفتاب قرار می‌دهند تا خشک شود. غنچه‌های خشک شده را با آب می‌پزند و پخته شده آن را باهاون می‌کوبند تا له شود. آنگاه آن را فشار می‌دهند تا کمی آبش گرفته شود. سپس گردو و سیر ساییده شده را با کمی نمک، فلفل و ادویه در قابلمه مناسبی همراه با مقداری آب می‌پزند و می‌گذارند آهسته بجوشد تا جا بیفتد و روغن بیاندازد. بعد کمر گل واش له شده را به آن اضافه می‌کنند و می‌گذارند تا با حرارت ملایم بپزد. به این ترتیب غذایی خوشمزه آماده خوردن می‌شود. (عکس شماره ۱۴).

لوشان بوته (Lusan bute)

گیاهی علفی با ساقه‌های باریک و منشعب و ریشه‌ای عمودی با برگ‌های سوزنی است. گل‌های سفید رنگ و معطر آن در انتهای شاخه‌ها می‌رویند. دام، تازه و خشک شده آن را تغذیه می‌کند. (عکس شماره ۱۵).

منجر (Manjar)

گیاهی علفی با ریشه‌ای عمودی و ساقه‌های فراوان باریک فوقانی و زمینی است. قسمت زمینی آن گسترده در سطح خاک است. گل‌های سفید رنگ و معطر آن در انتهای

ساقه‌ها می‌رویند. منجر از جمله گیاهانی است که در فصل بهار دام از آن تغذیه می‌کند. خشک شده این گیاه را پس از جدا کردن ساقه‌ها از یکدیگر به خورد دام می‌دهند. (عکس شماره ۱۶).

سیاه واش (Siy vas)

گیاهی است خزنده با برگ‌های کوچک مقابل و دنداندار، گل‌های بنفش رنگ آن در انتهای شاخه‌ها می‌رویند. سیاه واش از جمله گیاهانی است که بسیار مورد توجه دام است. تازه و خشک شده آن را دام با اشتهای مصرف می‌کند (عکس شماره ۱۷).

گوراندکی (Gorandki)

گیاهی با شاخه‌های باریک و برگ‌های متناوب سوزنی است. گل‌های سفید رنگ و معطر آن در انتهای شاخه‌ها ظاهر می‌شوند. گوراندکی بسیار خوش خوراک و مورد علاقه دام است. از این گیاه انسان هم استفاده می‌کند. خانم‌های روستایی در فصل بهار آن را از کوه‌های اطراف محل اقامتشان جمع آوری می‌کنند و به هنگام طبخ غذا از آن به عنوان سبزی استفاده می‌کنند (عکس شماره ۱۸).

شیرکی (Siraki)

گیاهی است علفی با ساقه‌های راست و منشعب. شیرکی دارای برگ‌های متناوب باریک در پایین ساقه و برگ‌های دایره‌وار و در آغوش کشیده ساقه در قسمت فوقانی می‌باشد. علت نامگذاری این گیاه به جهت شیری است که در صورت قطع شاخه یا برگ از آن جریان می‌یابد. از شیر این گیاه می‌توان به عنوان مایه پنیر استفاده کرد. کافی است که چند قطره از شیر این گیاه داخل چند لیتر شیر ریخته شود، بلافاصله شیر به پنیر

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۲۱

تبدیل می‌شود. شیرکی از جمله گیاهان کمیاب و خوش خوراک است و چرای زیاد آن موجب افزایش وزن دام می‌شود (عکس شماره ۱۹).

قمیش، لی یا للیجه (yamis)

گیاهی است علفی با ساقه‌ای راست و بلند. در صورت وجود رطوبت در محل رشد این گیاه، ارتفاع آن به ۳ متر هم می‌رسد. ساقه‌ها پوشیده از برگ‌های زبر، باریک و متناوب است. در انتهای ساقه سنبله‌های سفید رنگ و گاهی رنگی می‌روید. قمیش از جمله گیاهانی است که بیشتر دام‌های بزرگ از آن استفاده می‌کنند. این گیاه علاوه بر مصرف غذایی ارزش دارویی هم دارد. چنانچه شیء همراه علوفه وارد دهان دام شود و مانع بلع گردد، دام شروع می‌کند به سرفه کردن که اصطلاحاً می‌گویند: (دام پرک ویتی)^۱ در ضمن از آن برای درمان ناراحتی‌های مجاری تنفسی، سرفه و... استفاده می‌شود. (عکس شماره ۲۰)

قیاق (yiyay)

گیاهی علفی دارای ساقه‌های دسته‌ای بر افراشته و نازک است. ساقه‌ها را برگ‌های کوچک و متناوب پوشانده‌اند. در انتهای ساقه‌ها خوشه‌های جو مانند می‌رویند. دامداران معتقدند برای حفظ کمیت شیر، دام هر روز باید یک وعده از این گیاه تغذیه کند. (عکس شماره ۲۱).

جبار یا جرجرک (Jerjerak یا Jabar)

۱- "prakvaytiy" پرک به انسداد عقبی دهان حیوان توسط شیئی خارجی گفته می‌شود. گاهی مواقع برخی اشیاء مانند پر پرندگان به همراه علوفه وارد دهان دام می‌شود و این شیئی مانع بلعیدن مواد غذایی می‌گردد. دامداران با استفاده از قمیش و خوراندن آن به دام مشکل را بر طرف می‌کنند.

گونه‌ای از گون است که به صورت بوته‌ای سبز رنگ با برگچه‌های متعدد، بدون دمبرگ، سطح وسیعی از خاک را می‌پوشاند و موجب تثبیت خاک به هنگام بارندگی می‌شود. گل‌های سفید رنگ آن در انتهای شاخه‌ها می‌رویند. جبار از جمله گیاهان مورد علاقه دام است. (عکس شماره ۲).

دورجی (Dorji)

گیاهی است بوته‌ای با ساقه‌ای دسته‌ای و راست که از میان آنها تعدادی از ساقه‌ها دارای رشد بیشتری هستند. تغذیه زیاد آن موجب افزایش شیر دام‌ها می‌شود. در نوک ساقه‌های بالارونده سنبله‌ای جو مانند ظاهر می‌شود. از این گیاه علاوه بر دام‌های کوچک دام‌های بزرگ نیز استفاده می‌کنند در ضمن از ساقه‌های خشک شده این گیاه جاروب تهیه می‌شود. (عکس شماره ۲۳).

مال واش (Malvas)

گیاهی است علفی با ساقه‌های باریک و منشعب و پوشیده از برگ‌های سوزنی. مال واش در اطراف چشمه ساران می‌روید و همیشه سرسبز و خرم است و از جمله گیاهانی است که دام با اشتها آن را مصرف می‌کند. علاوه بر دام از این گیاه پرندگان هم استفاده می‌کنند. گل‌های آبی رنگ متمایل به بنفش آن در انتهای ساقه‌ها می‌رویند. (عکس شماره ۲۴).

نرم واش (Narmvas)

گیاهی است بوته‌ای و گسترده در سطح خاک، ساقه آن منشعب و پوشیده از برگ‌های کوچک متقابل می‌باشد در نوک ساقه‌ها گل‌های صورتی متمایل به بنفش می‌رویند. این گیاه بسیار سبز و لطیف است و در جاهای پرآب می‌روید. از بذر این گیاه

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۲۳

جهت تهیه چمن استفاده می‌شود. نرم و اش دارای سه نوع گوناگون است: یک نوع آن به هنگام رویش در سطح زمین گسترده می‌شود. نوع دوم آن دارای ساقه‌های بلندی است و سرانجام نوع سوم آن ساقه‌ای نیمه خیز دارد. (عکس شماره ۲۵).

مرجواش (Marjow vas)

گیاهی است علفی که در میان خاک‌های موجود در داخل سنگ‌ها می‌روید. ساقه آن باریک و پوشیده از برگ‌های ریز و متناوب است. گل‌های بنفش رنگ آن در انتهای شاخه‌ها می‌رویند. این گیاه با طعم شیرینی که دارد بسیارخوش خوراک است. (عکس شماره ۲۶).

اسپل (Espel)

گیاهی است علفی، شاخه‌های آن دارای برگ‌های دندان‌دار، با بریدگی‌های بسیار در سطح زمین گسترده شده است، در نوک ساقه‌های منشعب آن، گل‌های زرد رنگ می‌رویند. اسپل گیاهی است بسیار باب طبع دام، به همین جهت در خوردن آن زیاده روی می‌کند. تغذیه نارس این گیاه بسیار خطرناک و باعث مرگ دام می‌شود. (عکس شماره ۲۷).

زبرک (Zebrak)

گیاهی است علفی با شاخه‌های فراوان که درمیان خاک‌های موجود در داخل سنگ‌ها می‌روید. بوته آن دارای برگ‌های بسیار کوچک و دندان‌دار و گسترده در سطح خاک است. گل‌های سفید و شیپوری آن در انتهای شاخه‌ها می‌رویند و بسیار معطر هستند. علاوه بر دام، انسان هم خشک شده آن را به عنوان چاشنی غذا بویژه در لبنیات مورد استفاده قرار می‌دهد. (عکس شماره ۲۸).

بواش یا بوا (Buas)

گیاهی است علفی با بوته‌ای گسترده در سطح زمین که خاص مناطق کوهستانی است. ساقه‌های آن پوشیده از برگ‌های خطی شبیه شوید می‌باشد. دام، تازه آن را نمی‌خورد. این گیاه را پس از چیدن و انبار کردن در فصل زمستان به تغذیه دام‌ها می‌رسانند. بواش هنگامی که نرک بزند خشک می‌شود. نرک زدن همان طور که عکس شماره ۲۹ نشان می‌دهد، به این ترتیب است که چند ساقه از میان ساقه‌های موجود از رشد بیشتری برخوردار می‌شوند و در انتهای‌شان چتری از گل‌های سفید رنگ می‌روید. این گل‌ها دانه می‌دهند آنگاه خشک می‌شوند. دانه‌ها توسط عوامل طبیعی چون باد، آب و پرندگان در سطح خاک پخش می‌شوند و سال بعد از رشد آنها گیاه جدیدی سبز می‌شود. در مناطقی که این گیاه به دلیل برداشت بی رویه کاهش پیدا کرده، بذر آن را در آذر ماه که مصادف است با سرما، در سطح گسترده‌ای می‌پراکنند تا مراتع احیاء شوند.^۱ علت این که آذر ماه را برای پاشیدن بذر انتخاب می‌کنند، به دلیل طبع این گیاه است که با گرما سازگاری ندارد و در زیر برف بهتر رشد می‌کند (عکس شماره ۲۹).

زردگلک (Zardegolak)

گیاهی است با ساقه‌های منشعب و باریک، پوشیده از برگ‌های ریز. در انتهای ساقه چتری از گل‌های زرد رنگ دیده می‌شود. قسمت مورد استفاده این گیاه گل آن است. زردگلک زیاد مورد علاقه دام نیست به همین جهت در ارتفاعات به وفور یافت می‌شود. این گیاه ارزش دارویی هم دارد و از آن برای درمان جراحات‌ها استفاده می‌شود به این

۱- در گذشته دامداران آگاه بذر بواش، الهو، کما و... را جمع‌آوری می‌کردند و در فصل سرما آنها را در سطح منطقه می‌پاشیدند تا گیاهان یاد شده احیاء شوند. امروزه منابع طبیعی برای پیشگیری از تخریب مراتع، بذر گیاهان یاد شده را جمع‌آوری می‌کند و در فصل مساعد آنها را به همراه کود شیمیایی در اختیار افراد ذینفع قرار می‌دهد تا با پاشیدن آنها در مکان‌های مستعد موجبات تکثیر و تولیدشان را فراهم نمایند.

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۲۵

ترتیب که خاکستر به جا مانده از سوزاندن گیاه را برای مداوای زخم‌ها به کار می‌برند (عکس شماره ۳۰).

کما (Koma)

گیاهی است علفی با بوته‌ای از برگ‌های بیضی شکل، گسترده در سطح زمین. این گیاه پس از نرک زدن خشک می‌شود. در فصل تابستان چوپانان حتی‌الامکان تلاش می‌کنند تا مانع چرای دام‌های زایج (زاینده) از این گیاه شوند، زیرا تغذیه دام‌ها از برگ‌های سبز این گیاه موجب غلیظ شدن و حتی خشک شدن شیرشان می‌شود. ولی تغذیه آن برای بره‌ها و بزغاله‌ها هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند. کما را بیشتر در فصل زمستان به تغذیه دام‌ها می‌رسانند (عکس شماره ۳۱).

سیناولگ (Sinavelg)

گیاهی است علفی با ساقه‌های افراشته. برگ‌های بیضی شکل و براق و سبزرنگ آن بیشتر در قسمت پایین ساقه قرار دارند. انتهای ساقه به یک خوشه گل زرد رنگ منتهی می‌شود. این گیاه سبزی برگش را تا اولین بارش برف زمستانی حفظ می‌کند. سیناولگ تا زمانی که نارس و سبز رنگ است دام توجهی به آن ندارد. با کاهش علوفه در بیلاقات و رسیدن این گیاه، دام‌ها به تغذیه آن روی می‌آورند. این گیاه علاوه بر خوراک دام‌ها از نظر مصرف دارویی حائز اهمیت است و از آن برای درمان دام‌های سخت‌زا استفاده می‌شود. معمولاً در روستاهای الموت از این گیاه به دلیل سبزی و براقی برگش جهت تشبیه زیبایی انسان استفاده می‌شود. می‌گویند فلانی از بس خوشگله و براقه مثل سینا ولگ می‌مانه.

Folani az bas xosgele va borraçe mesle sinavelg mimane.



عکس شماره ۱



عکس شماره ۲

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۲۷



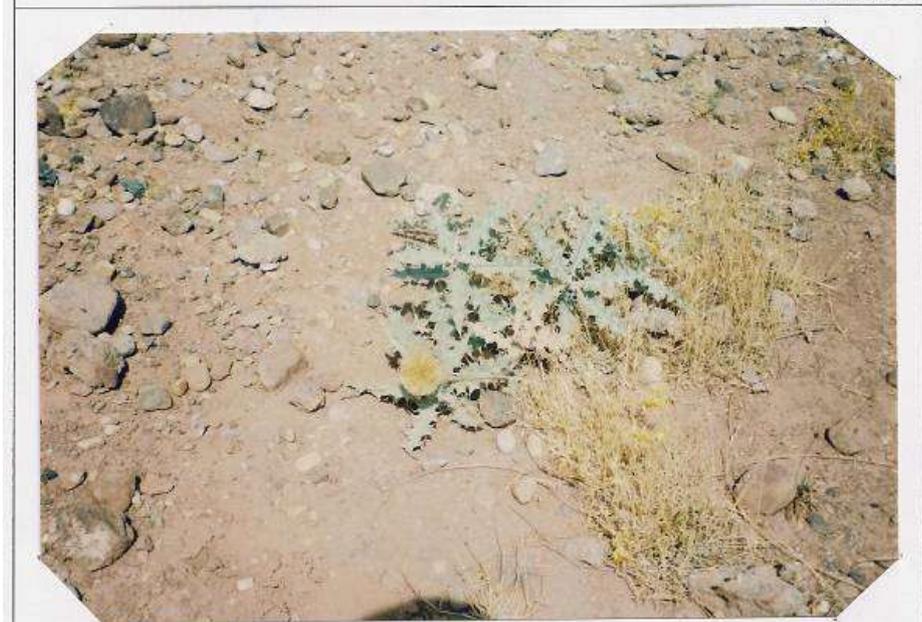
عکس شماره ۳



عکس شماره ۴



عکس شماره ۵

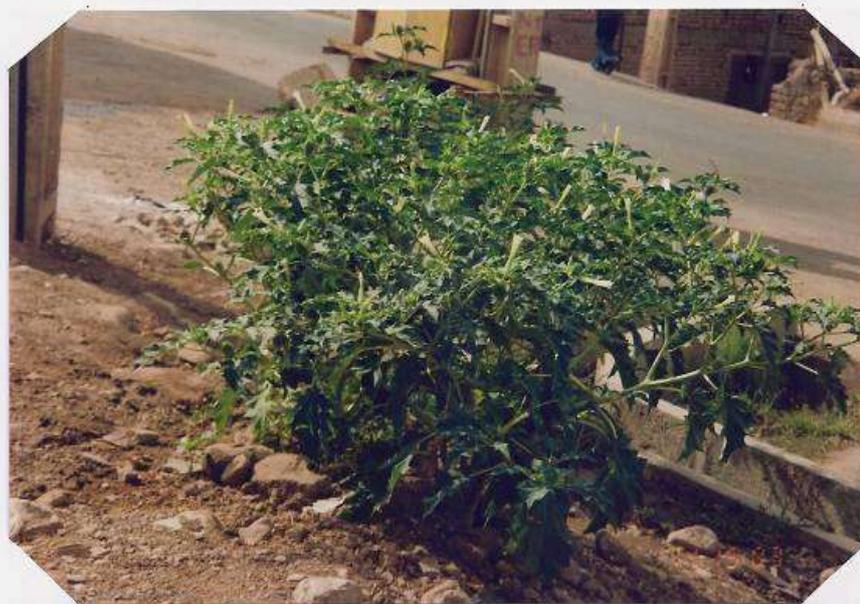


عکس شماره ۶

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۲۹



عکس شماره ۷



عکس شماره ۸

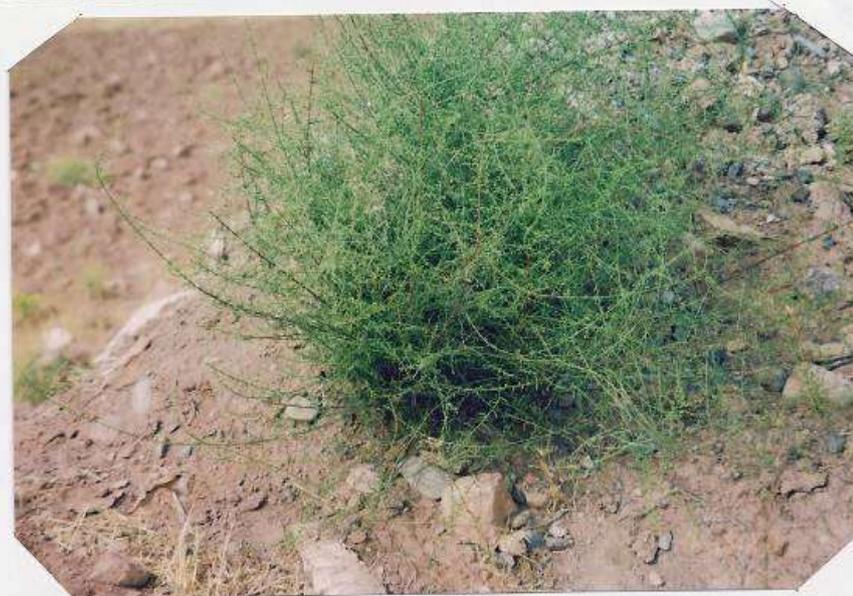


عکس شماره ۹



عکس شماره ۱۰

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۳۱



عکس شماره ۱۱



عکس شماره ۱۲

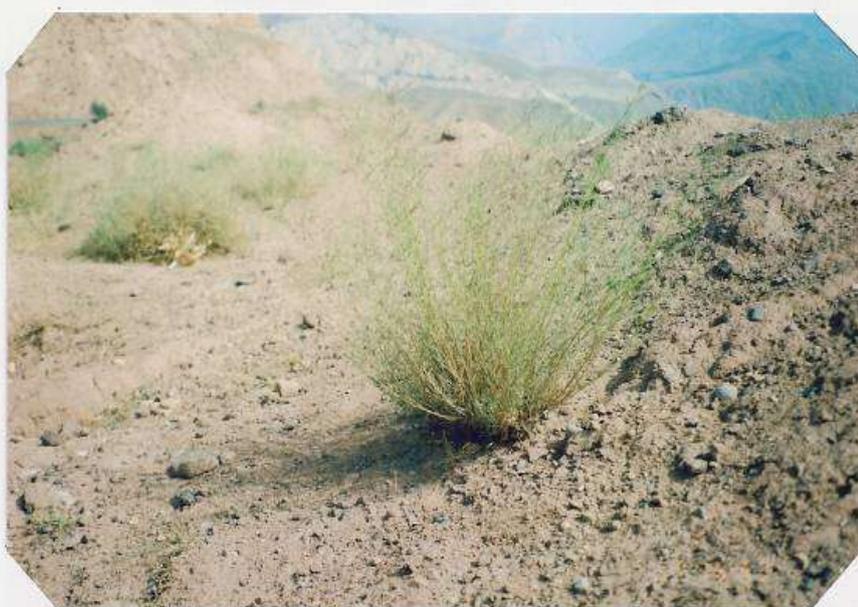


عکس شماره ۱۳



عکس شماره ۱۴

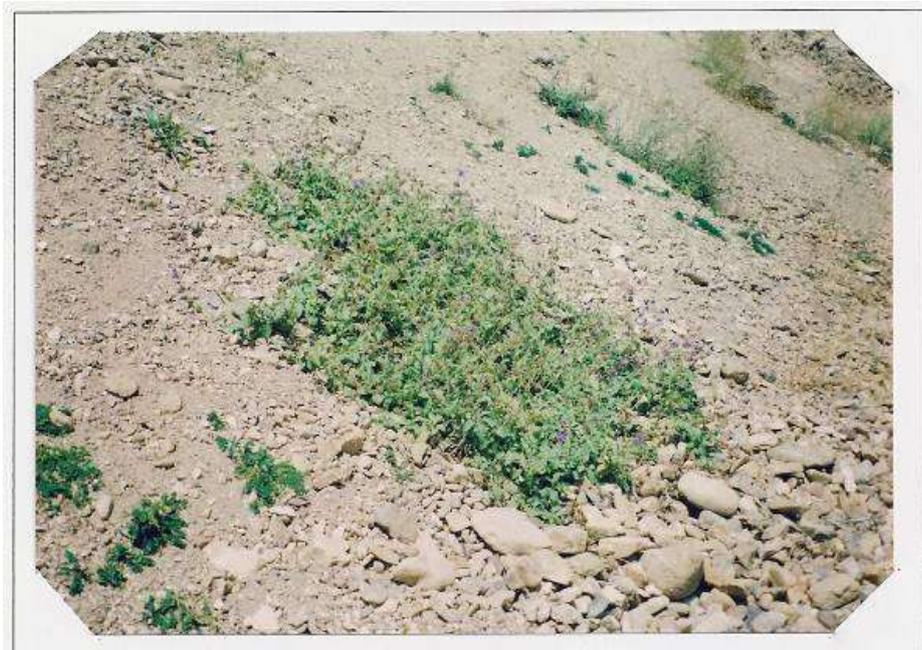
گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۳۳



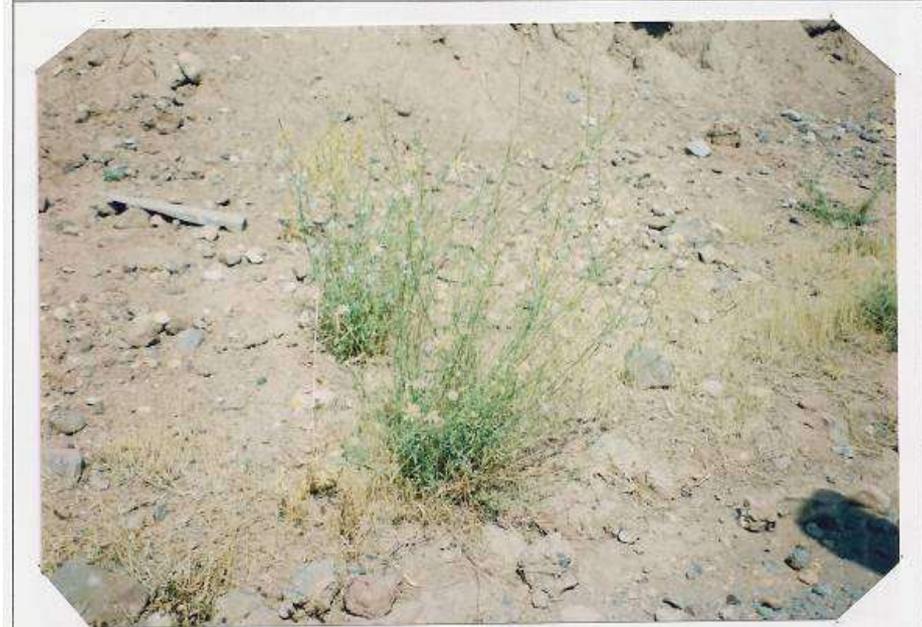
عکس شماره ۱۵



عکس شماره ۱۶

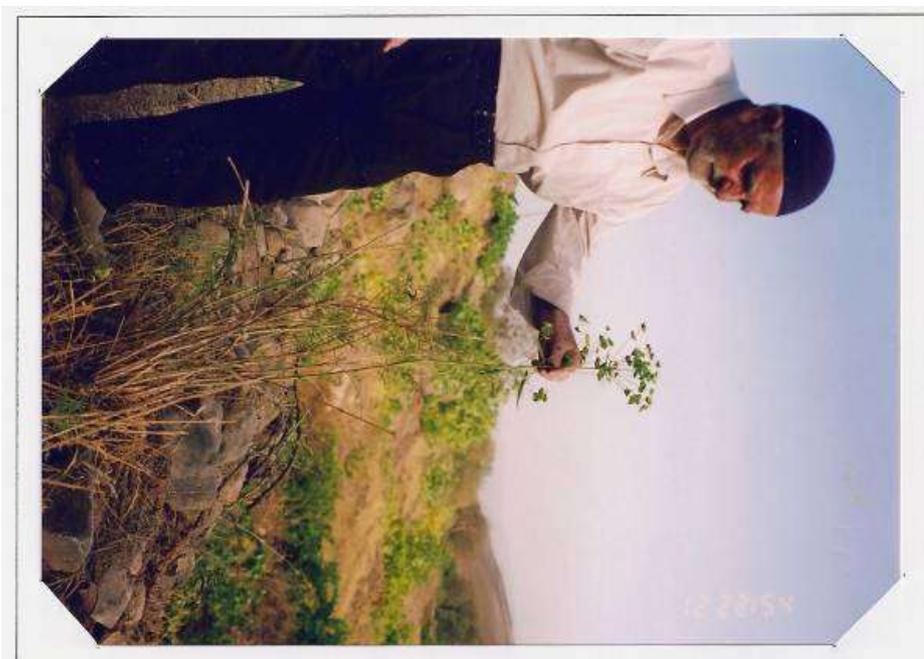


عکس شماره ۱۷

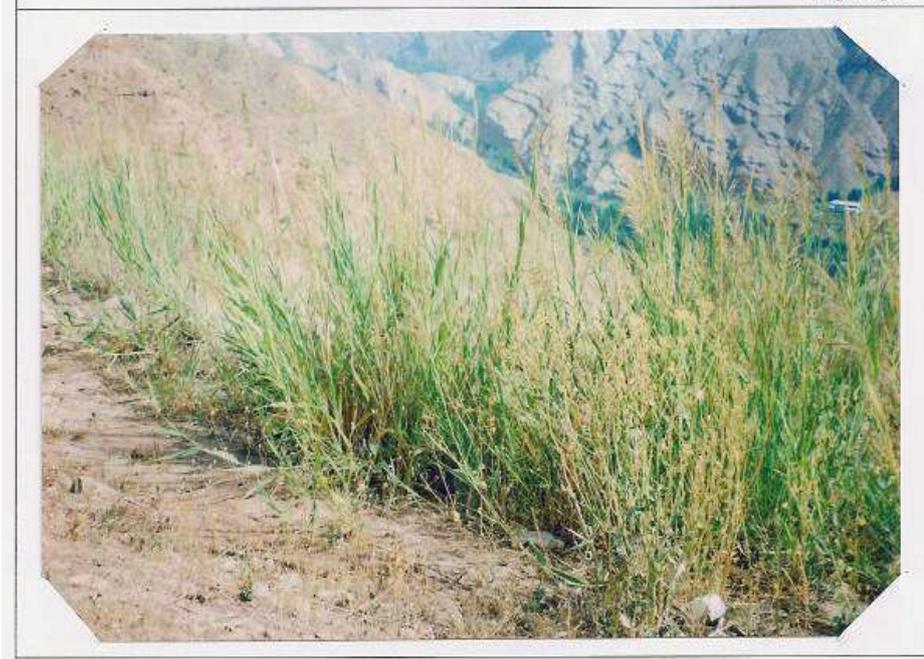


عکس شماره ۱۸

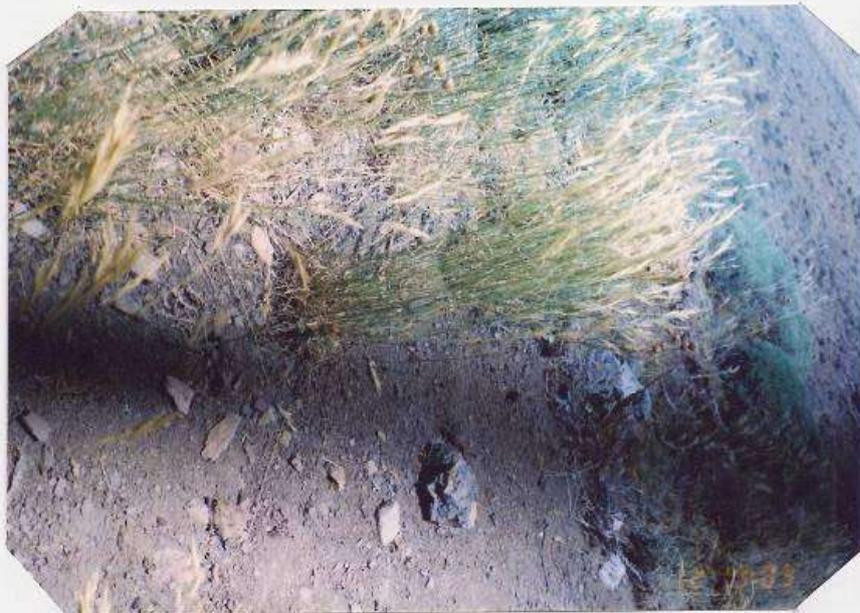
گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۳۵



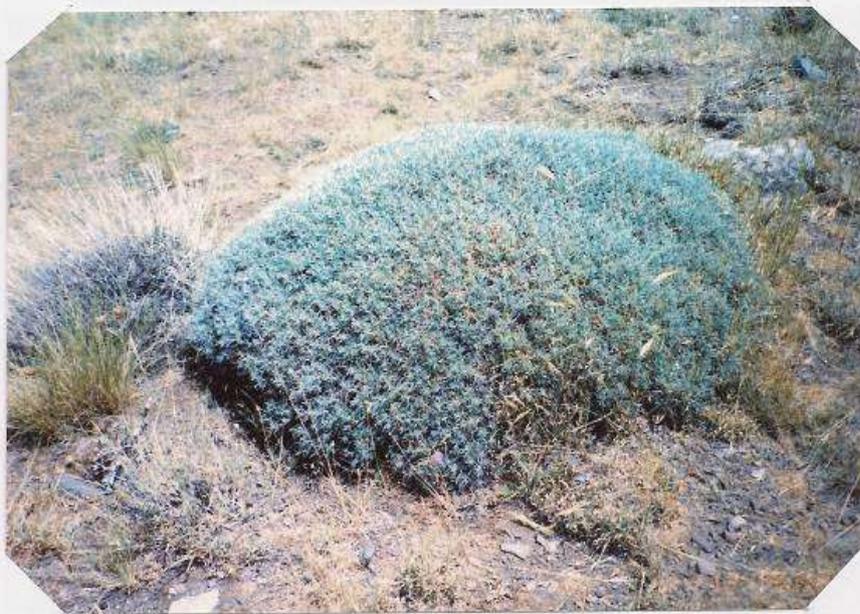
عکس شماره ۱۹



عکس شماره ۲۰



عکس شماره ۲۱



عکس شماره ۲۲

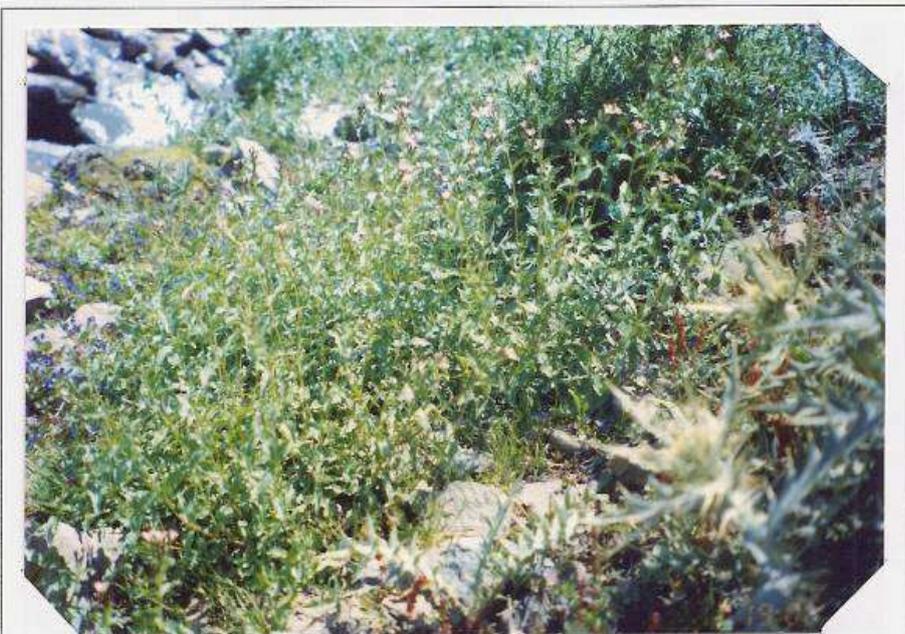
گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۳۷



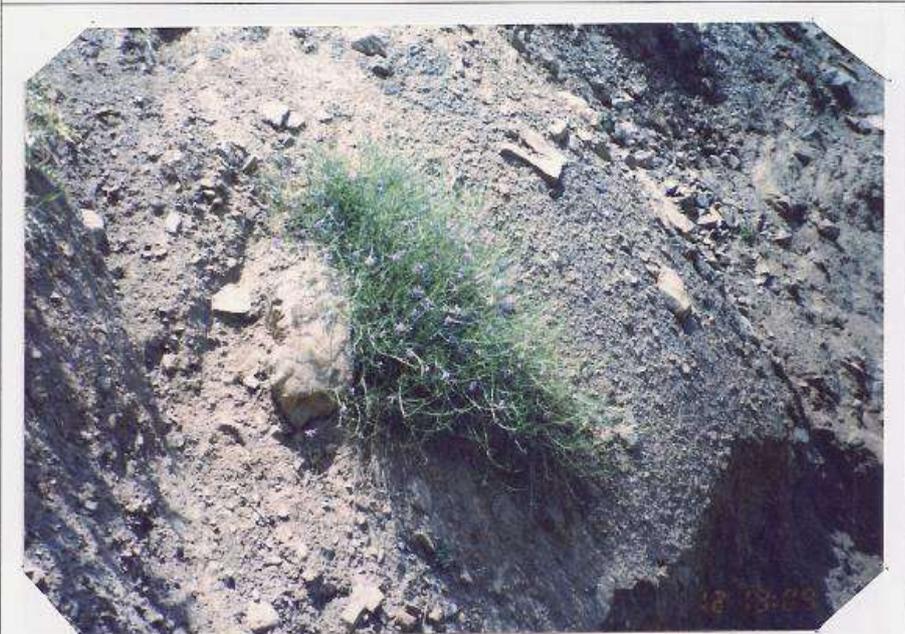
عکس شماره ۲۳



عکس شماره ۲۴



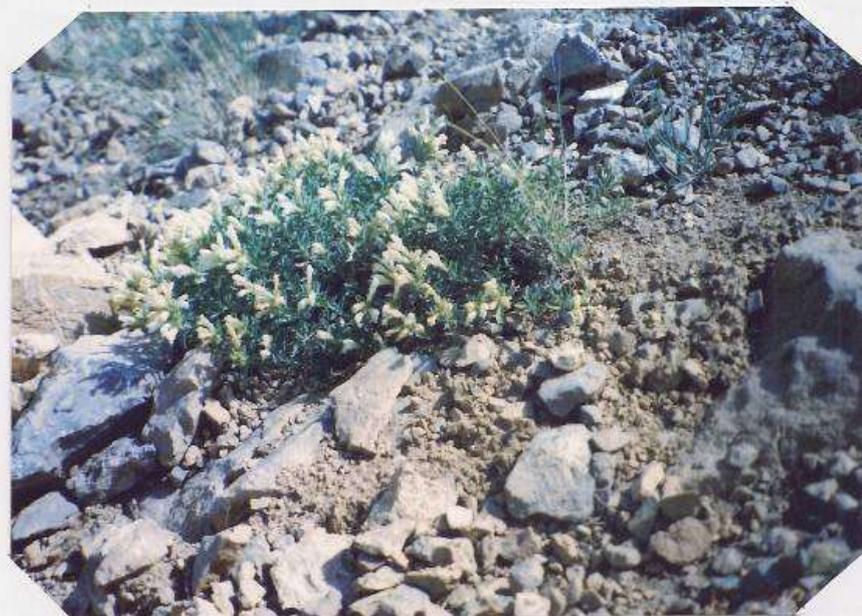
عکس شماره ۲۵



عکس شماره ۲۶



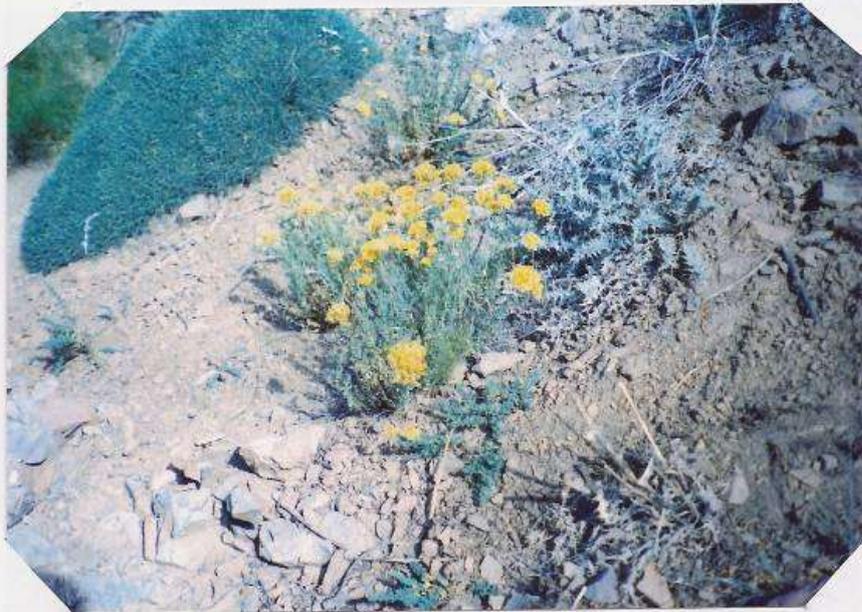
عکس شماره ۲۷



عکس شماره ۲۸

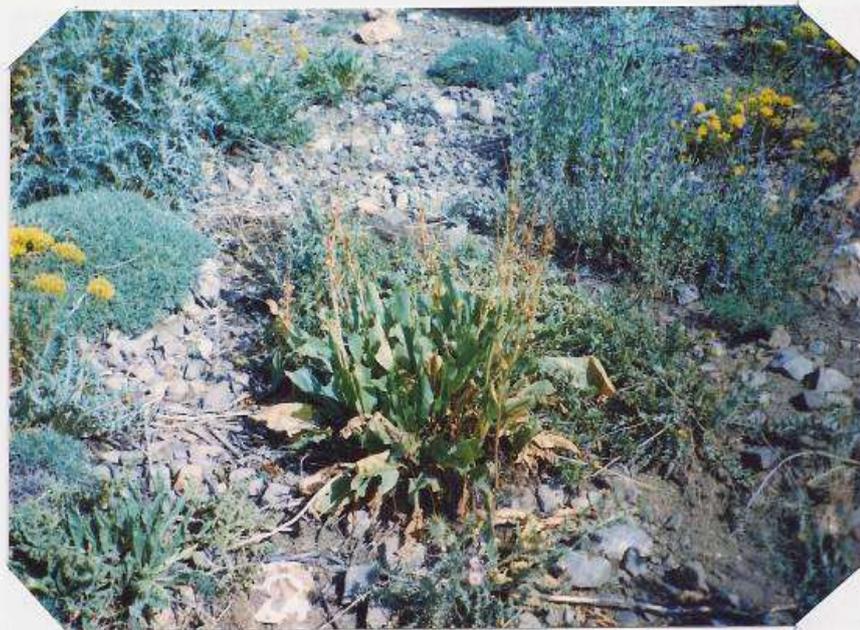


عکس شماره ۲۹



عکس شماره ۳۰

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۴۱



عکس شماره ۳۱



عکس شماره ۳۲

منابع

- امیراحمدی، بهرام. (۱۳۶۸)، «محیط زیست و کوچ نشینی»، *فصلنامه عشایر، ذخایر انقلاب*، شماره ۷.
- شاه حسینی، علیرضا. (۱۳۸۰)، «دانش‌های بومی عشایر استان سمنان در زمینه بهره‌برداری، احیاء و حفاظت از مراتع»، *فصلنامه عشایر، ذخایر انقلاب*، شماره ۲۹ و ۳۰.
- صفی نژاد، جواد. (۱۳۶۸)، «عشایر مرکزی ایران»، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- عمادی، محمدحسین؛ عباسی، اسفندیار. ۱۳۷۸. «حکمت دیرین در عصر نوین»، تهران: وزارت جهاد سازندگی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- عباسی، اسفندیار. (۱۳۸۱)، «توسعه مردم شناسی و مردم شناسی توسعه پژوهش و کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار»، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۱ و ۱۲.
- عمادی، محمدحسین. (۱۳۸۱)، «دانش بومی جزئی از ثروت فرهنگی و میراث اندیشه جامعه ماست»، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۱ و ۱۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۱)، «مردم نگاری دانش‌ها و فن‌آوری سنتی «نان شب» مردم نگاری ایران»، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۱ و ۱۲.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۶)، «نوبر نارس گیاه مردم شناسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴ و ۳۵.
- مشیری، سیدرحیم. (۱۳۷۲)، «جغرافیای کوچ نشینی»، تهران: سمت.

مصاحبه شوندگان

نصراله یونسی؛ قاسم مظفری؛ امیر خاک‌پور؛ مهرداد عنایتی.

گوشه‌ای از گیاه‌شناسی دامداران روستای ... ۲۴۳